

## عنوان مقاله: آینده‌شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط و جامعه

رضا مهدی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۵

پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۳۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد پدیدآوران بوده است.

### چکیده:

هدف این پژوهش، شناسایی و اعتباریابی راهبردهای سازگار کردن نظام دانشگاهی با محیط علمی و اجتماعی و پیامدهای دانشگاه سازگار شونده است. در جهان پویا بخش‌های مهمی از آموزش عالی و دانشگاه نسبت به قدرت، فرهنگ، دولت و صنعت به صورت نهاد محافظه‌کار تقریباً ایستا باقی مانده و در مقایسه با دهه‌های اول نیمه دوم قرن بیستم که دانشگاه به نهاد معتبر جامعه تبدیل شد اعتبار آن با روند نزولی مواجه شده است. سازگاری با محیط، یکی از الزامات توسعه پایدار و فعال نظام دانشگاهی در شرایط تغییر شتابان است. سازگاری دانشگاه با محیط یک معیار اساسی برای کیفیت آموزش عالی است. امروزه، با توجه به افزایش نرخ تغییر و ظهور عصر دانش، موج آینده‌پژوهی در نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری گسترش یافته است. از دو دهه گذشته، همسو با تحولات جامعه و به منظور شناخت آینده و سیاستگذاری نظام دانشگاهی، آینده‌اندیشی در آموزش عالی، ضرورت پیدا کرده است. در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی مرور اسناد و نظریه مبنایی، راهبردهای سازگاری کردن دانشگاه با محیط و پیامدهای این نوع دانشگاه با رویکرد اکتشافی و آینده‌نگر بر مبنای الگوی هنجاری دانشگاه مطلوب استخراج شده است. برای شناسایی و اعتباریابی راهبردها و پیامدها از کدگذاری‌های باز و محوری روش نظریه مبنایی استفاده شده است. در این پژوهش، با تعیین دانشگاه سازگار با محیط و جامعه به عنوان مقوله کانونی آینده‌شناسی در آموزش عالی، ۱۳ راهبرد و چهار پیامد کلیدی دانشگاه سازگار با محیط، شناسایی و تدوین شده است. نظام دانشگاهی باید به وسیله راهبردهای پیشنهادی با محیط‌های علمی و اجتماعی به طور مستمر سازگار شده و با جامعه در حال تغییر، دائماً در تعادل پویا باشد. سیاستگذاران آموزش عالی، باید الزامات و شرایط محیطی، علی و زمینه‌ای مناسب و سازنده برای تحقق و فعلیت راهبردهای سازگاری دانشگاه با محیط را فراهم کنند.

۱. استادیار گروه آینده‌پژوهی  
پژوهشکده مطالعات فرهنگی  
و اجتماعی (نویسنده مسئول)  
iamahdi@yahoo.com

**کلیدواژه‌ها:** آموزش عالی، آینده‌پژوهی، دانشگاه آینده، برنامه‌ریزی  
راهبردی، کیفیت در آموزش عالی.

### مقدمه

مسئله کیفیت یکی از مسائل اساسی آموزش عالی است (یمنی، ۱۳۹۱). اصولاً در مباحث دانشگاه و آموزش عالی اولین پرسش این است که کدام دانشگاه و کدام آموزش عالی؟ پاسخ به این پرسش حداقل دارای دو بعد اصلی شامل رسالت‌های نظام دانشگاهی و آموزش عالی و ویژگی‌های این رسالت‌هاست. بعد دوم پاسخ به پرسش کدام دانشگاه و کدام آموزش عالی، به زبان حرفه‌ای می‌تواند کیفیت<sup>۱</sup> نامیده شود. تعاریف مختلفی برای کیفیت در آموزش عالی ارائه و از منظرهای متفاوتی به آن توجه شده است. به‌عنوان نمونه، (1994) Birnbaum معتقد است مفهوم کیفیت ترجیحاً یک موضوع ارزشی بوده، دارای ماهیت چندبعدی است و برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد. به نظر وی، ایده و مفهوم کیفیت مبتنی بر داوری‌هایی است که در مورد ارزشمندی و تناسب ویژگی‌ها و صفات خاص انجام می‌شود. وی، سه منظر از کیفیت در آموزش عالی شامل منظر شایستگی، منظر اجتماعی و منظر فردی تبیین کرده است.<sup>۲</sup> در منظر شایستگی، کیفیت دانشگاه بر اساس انطباق با هنجارها و استانداردها و شاخص‌های پژوهشی، تخصصی، ملی و جهانی در آموزش عالی ارزشیابی می‌شود. در این فرآیند، استانداردها و شاخص‌های آکادمیک به عنوان گروه مرجع به کار برده می‌شوند. در منظر اجتماعی، کیفیت بر اساس میزانی که دانشگاه در قبال جامعه متعهد شده و اقدام به تامین نیازهای مهم جامعه و افراد می‌کند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در منظر فردی، کیفیت دانشگاه بر اساس میزان مشارکت و فراهم آوردن تجارب عالی یادگیری و کمک‌های دانشگاه در رشد شخصی دانشجویان و اعضای هیات علمی ارزیابی می‌شود. در این منظر، میزان یادگیری فرد، مرجعی برای قضاوت درباره کیفیت است. می‌توان با توجه به تمامی منظرهای کیفیت، توسعه متوازن و پایدار آموزش عالی و دانشگاه را تضمین کرد.

در دنیای معاصر، واژه تغییر و تحول یکی از واژگان و پارادایم‌های مورد اجماع بیشتر سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و

1. Quality

2. Meritocratic, Social & Individualistic Views

فناوری<sup>۱</sup> است. در موقعیت و شرایط تغییر مستمر، بقای هر موجودیت و ارگانیزم در گرو سازگاری و انطباق با شرایط زیست‌بوم و محیط است (پایا، ۱۳۷۹). امروزه، در جهان پویا نرخ تغییر به اندازه‌ای زیاد است که بدون انطباق و سازگاری واقعی با آن، ادامه حیات برای موجودیت‌ها و ارگانیزم‌های طبیعی و اعتباری امکان‌پذیر نیست. در عصر دانش، با توجه به افزایش نیاز جامعه به دانش و فناوری، دانشگاه‌ها به عنوان موجودیت‌ها و ارگانیزم‌های اعتباری نظام اجتماعی، دارای اهمیت و نقش ممتازی شده‌اند. تعهدات کارکردی در قبال پیشرفت‌های فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه و بهبود اوضاع و شرایط محلی و ملی، حاکی از ارزش و جایگاه نظام دانشگاهی و آموزش عالی است. به‌علاوه، کمک به شور و نشاط فکری، پیشرفت و رفاه اقتصادی، تربیت شهروندان فرهیخته، پرورش نسل نو پیشگام در زمینه دانش، خدمات اجتماعی به مردم، صنعت، دولت و جامعه و ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر از تعهدات کارکردی نظام دانشگاهی بوده و مبین جایگاه بی‌بدیل آموزش عالی است (Hirsch & Weber, 1999). سازگاری دانشگاه و آموزش عالی با محیط یک معیار مهم و مترقی برای کیفیت آموزش عالی است. به تعبیر Delanty دانشگاه، جهانی کوچک در جامعه بزرگ‌تر بوده و از زمان پیدایش تاکنون، بخش‌های مهمی از آن دانشگاه نسبت به تحولات جامعه و محیط پیرامونی تقریباً ایستا مانده است. در مقایسه با دهه‌های اول نیمه دوم قرن بیستم که دانشگاه به عنصر معتبر جوامع تبدیل شد اعتبار آن دارای روند نزولی بوده است (دلانتی، ۱۳۸۶). دانشگاه نسبت به قدرت، فرهنگ، دولت و صنعت، به صورت نهاد محافظه‌کار باقی مانده است. امروزه، با توجه به افزایش نرخ تغییر در جامعه و ظهور عصر دانش و با هدف خلق آینده مطلوب، آینده‌شناسی و آینده‌پژوهی<sup>۲</sup> برای سازمان‌ها و نهادها به یک الزام تبدیل شده است (Anayatollah, 2005). هماهنگ با جریان کلی تغییرات در جهان و گسترش موج آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی در آموزش عالی نیز به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت نظام دانشگاهی ضروری شده است. در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی مرور اسناد و نظریه مبنایی<sup>۳</sup>، راهبردها و پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط با رویکرد اکتشافی و آینده‌پژوهانه، استخراج و ارائه شده است. این پژوهش دارای پنج بخش شامل پیشینه و چارچوب مفهومی، روش پژوهش، مفاهیم کلیدی آینده‌پژوهی آموزش عالی، راهبردهای سازگار کردن دانشگاه با محیط و پیامدهای کلیدی دانشگاه سازگار شونده و نتیجه‌گیری است.

1. PEEST
2. Futurology & Futures Study
3. Documentory Review & Grounded Theory

### ماهیت تغییر و تحول در آموزش عالی و دانشگاه

آموزش عالی و دانشگاه تجربه ارزشمند و قابل اعتنایی در همزیستی تحولی در رویارویی با زیست‌بوم تخصصی و محیط پیرامونی دارد. هر چند تحولات دانشگاه آرام، موثر و قابل تامل است، ولی دانشگاه پدیده‌ای ناگهانی نبوده و دارای تاریخ پرفراز و نشیب و تحولی است (یمنی، ۱۳۸۸). از منظر Drucker «آموزش عالی در بحران عمیقی به سر می‌برد و تا ۳۰ سال آینده، دانشگاه‌های بزرگ فقط بنای یادبود خواهند بود» (Hirsch & Weber, 1999). با تامل در تاریخ و اسامی دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌توان دریافت که تقریباً از دانشگاه‌های معتبر جهان در دو هزار سال گذشته تا زمان تاسیس دانشگاه‌های مدرن در قرن ۱۲ میلادی، حتی بنای یادبود هم باقی نمانده است. این واقعیت، گویای امکان تحولات وسیع دانشگاه‌ها تا حد نابودی است. شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد. برای ایرانیان، اثری از دانشگاه بین‌المللی گندی شاپور عصر ساسانی نمانده است. امروزه، برای مردم مصر دانشگاه موزیوم اسکندریه مفهوم چندانی را تداعی نمی‌کند. مردم هند از دانشگاه تاکسیلا و دانشگاه ویکراما سیلا اثری در توسعه و مسئله‌گشایی نمی‌بینند. اثری از دانشگاه بیت‌الحکمه بغداد، قابل مشاهده نیست. همچنین، در دنیای معاصر برای دانشگاه‌های اروپایی مبتنی بر الگوی Humboldt روند جدایی آموزش و پژوهش به منزله پایان حیات این نوع دانشگاه‌هاست. نیاز به شفافیت، رقابت فزاینده و ارتقای کیفیت، چالش‌ها و تهدیدهای اساسی برای الگوی دانشگاه‌های جامع و مشابه در سراسر جهان است. با بررسی و ملاحظه شرایط و رسالت دانشگاه‌های مبتنی بر الگوی دانشگاهی Bologna که به موجب تنگناها و فشار مالی لاجرم به پژوهش‌های سفارشی روی آورده‌اند، به نوعی پایان حیات خود را به شکل خاص، تجربه و تمرین می‌کنند و نمی‌توانند ادعا کنند که هنوز پایبند اصول و سنت‌های دیرین و قبلی خود هستند. به عبارتی، این دانشگاه‌ها خود را به لحاظ کارکردی و ماهیتی، محو کرده و حیات مجددی را با کارکردها و رسالت‌های نو آغاز کرده‌اند. از این‌رو، این دانشگاه‌ها متحول شده و با وضعیت قبلی متفاوت هستند.

در عصر دانش، برخی دانشگاه‌های معتبر جهان مجبور شده‌اند از نظام‌های مدیریتی سازمانی (بناگذاری اقتصادی) استفاده کنند. این موضوع دانشگاه‌ها را از حالت مکان‌های سنتی خودمختار خارج و تا حدودی به بنگاه‌های کسب‌وکار تبدیل کرده است. اکنون در فضای دانشگاهی مدرن و پسامدرن، سنت و اعتقاد مبنی بر دانش ذاتاً باارزش و قابل تحقق در برج عاج آکادمی رنگ

باخته است (دلانتی، ۱۳۸۶). به تعبیر زیبایی (1999) Ginkel انزوای باشکوه نظام دانشگاهی رو به پایان است و به تعبیر (1999) Lin Tien ایده مقدس‌انگاری و تغییرناپذیری دانشگاه در حال تضعیف است. دانشگاه‌ها همانند بنگاه‌های تجاری برای جذب دانشجو، استاد و اعتبارات با هم رقابت می‌کنند (Power, 1997) و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها چهره مدیریتی تری نسبت به گذشته پیدا می‌کنند (Cohen & March, 1974)، به طوری که به تعبیر (1996) Dominelli & Hogvelt تیلوریسم آکادمیک<sup>۱</sup> در مدیریت دانشگاه و نوعی رفتار سازمانی مختص بنگاه‌های کسب‌وکار در نظام دانشگاهی رواج یافته است.

با استناد به ادعاها، شواهد و پیش‌بینی‌های فوق، امکان اضمحلال شکلی و کارکردی نهاد دانشگاه وجود دارد. در دنیای معاصر، این اضمحلال در ماهیت برخی از دانشگاه‌ها و برخی کارکردهای دانشگاهی کاملاً مشهود است. دانشگاه‌های مدرن (دانشگاه‌هایی که تاریخ پیدایش آنها کمتر از هزار سال بوده و بیشتر آنها متعلق به قرن بیستم هستند) دارای منشاء معینی هستند. به طور عمومی ریشه و منشاء دانشگاه‌های غربی در دانشگاه بولونیا و تحرک پژوهشی دانشگاه‌های آمریکای شمالی ریشه در الگوی Humboldt داشته و در بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته، سنت دانشگاهی ریشه در استعمار داشته و در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مستقل، نظام دانشگاهی از دانشگاه‌های غربی تقلید شده و وارداتی است (یمنی، ۱۳۸۲). دانشگاه در صورتی می‌تواند نقش تاریخی خود را در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی حفظ کند که خود را با تغییرات بخش‌های مختلف جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فناوری سازگار کند (Gardner, 1999).

در دو انقلاب بزرگ علمی، دانشگاه‌ها علاوه بر ماموریت<sup>۲</sup> آموزشی، دارای ماموریت پژوهشی و ماموریت نوآوری فناورانه شده‌اند. در واقع، کارآفرینی علمی منتج از ماموریت نوآوری فناورانه دانشگاه‌هاست (مهدی، ۱۳۸۸). Morin بر این باور است که امروزه علم در قلب جامعه مستقر شده و در عین گسترش تاثیر و نفوذ خود بر جامعه، به تعیین فنی-بوروکراتیک سازمان صنعتی کار تن می‌دهد (مورن، ۱۳۷۹). بر اساس نظام ملی نوآوری<sup>۳</sup>، دانشگاه، صنعت و دولت مرزهای مشخص و معینی دارند. نوآوری فناورانه کار ویژه صنعت، توسعه علم و آموزش کار ویژه دانشگاه و سیاست‌گذاری و ایجاد انگیزش نوآوری، کار ویژه دولت است. نوآوری در اثر تعامل میان صنعت و دانشگاه در بازار تحقیق و توسعه به وجود می‌آید. با بروز تحول جدید در تولید دانش و ظهور سبک<sup>۲</sup> و انقلاب دوم علمی و ظهور اقتصاد و جامعه دانش‌بنیان، مرزهای دانشگاه، صنعت و دولت نادقیق

1. Academic Taylorism
2. Mission
3. National Innovation System (NIS)

و مختل شده است (Etzkowitz & Leydesdorff, 2000). در چارچوب الگوی پویای نوآوری، تسهیل روابط دانشگاه، صنعت و دولت بر مبنای الگوی پیچش سه‌جانبه<sup>۱</sup> دانشگاه-صنعت-دولت، یکی از سیاست‌های اصلی دولت‌ها در عصر دانش است. در دنیای معاصر، صنعت و پژوهش (علم و جامعه) آنچنان در هم تنیده شده‌اند که هر روز تعارض و مناقشه جدیدی میان منافع پژوهشگران (علم و دانشگاه) و منافع تجاری (صنعت و بنگاه) ایجاد می‌شود. بسیاری از دانشگران یا گروه‌های پژوهشی، زیر کنترل بنگاه‌های صنعتی سودجو قرار می‌گیرند (بورديو، ۱۳۸۶).

جریان کلی پدیده‌های جهان حاکی از بالا بودن نرخ تغییرات است. هم‌راستا با تغییر و تحول نهادهای جامعه، سرعت تغییرات دانشگاه‌ها همچنین بیشتر می‌شود. عصر کشاورزی بیش از پنج هزار سال طول کشید و عصر صنعت حدود صد و پنجاه سال استمرار داشت (تافلر، ۱۳۷۴). پیش‌بینی این است که عصر دانش طول عمر کمتری خواهد داشت و اعصار دیگری متولد خواهند شد. با توجه به روند گذشته و تغییرات وسیع جامعه، نیاز به دانش به طور فزاینده‌ای در آینده بیشتر خواهد شد.

به اعتقاد کوی<sup>۲</sup> (۱۳۷۸) نظام آموزشی در زمینه ملی<sup>۳</sup> قرار دارد و از سیاست حکومت و در عین حال از سطح عمومی و توسعه اقتصادی و اجتماعی به ویژه فرهنگی تاثیر می‌پذیرد. زمانی که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دگرگون می‌شوند نظام آموزشی نیز با فاصله زمانی، تغییر می‌کند (کوی، ۱۳۷۸). سه انقلاب مهم شامل انقلاب صنعتی، انقلاب دموکراتیک و انقلاب آموزشی، مدرنیته را شکل داده‌اند (Parsons & Platt, 1973). در واقع، انقلاب آموزشی به دنبال انقلاب صنعتی و انقلاب دموکراتیک بوده و بر اساس الزامات و نیازهای انقلاب صنعتی و دموکراتیک ایجاد شده است. در آینده نیز با توجه به تغییر ماهیت انقلاب صنعتی و انقلاب‌های دموکراتیک و ظهور عصر دانش، ماهیت انقلاب آموزشی تغییر خواهد کرد. تغییر دائمی، قانون ثابت حاکم بر جهان است. در شرایط تغییر، بقای هر موجودیت و ارگانیسم طبیعی و اعتباری منوط به سازگاری با شرایط تحولی زیست‌بوم و محیط پیرامونی است. در زیست‌بوم‌های معرفتی و اجتماعی بر خلاف زیست‌بوم‌های طبیعی، انطباق موفق با عمل آگاهانه و تصمیم ارادی موجودیت و ارگانیسم ارتباط دارد (پایا، ۱۳۷۹). دانشگاه، جهانی کوچک در جامعه بزرگ‌تر بوده (Delanty, 2001) و نظام و کارکردهای نظام دانشگاهی نمی‌تواند در جهان پویا، ایستا بماند. ایستایی نظام و کارکردهای دانشگاه‌ها در شرایط پویا به معنای مرگ و نابودی آنها خواهد بود.

1. Triple Helix
2. Khoi
3. National Context

پویایی نظام دانشگاهی و سازگاری آن با تحولات علمی و محیطی باید بر اساس اقدامات، راهبردها و سیاست‌های معین و طرح‌ریزی شده محقق شود. همچنین، نتایج آینده‌پژوهی‌های مراکز و متخصصان برجسته آموزش عالی (جدول ۱) و مرور تاریخ سرنوشت و سرگذشت دانشگاه‌های دنیا و سیر تحولات نظام دانشگاهی در یک قرن اخیر، همه نشان از ضرورت تغییر و تحولات نظام دانشگاهی و انطباق فعال آن با شرایط محیطی و جامعه دارد. بی‌توجهی به ضرورت، روند و پیامدهای تغییر می‌تواند برای نظام دانشگاهی، جامعه و پایداری توسعه دانشگاه و توسعه پایدار ملی زیانبار باشد. بنابراین، یکی از محورهای کلیدی بحث درباره نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه، مسئله مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال نیازهای متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری و زیست‌محیطی است که تحقق این کارکرد صرفاً منوط به درجه انطباق و سازگاری آموزش عالی و نهاد دانشگاه با محیط علمی و اجتماعی است. دانشگاهی که فاقد قدرت سازگاری با هنجارها و سازوکارهای علمی و اجتماعی است چگونه می‌تواند در مواجهه با نیازها و مسائل محیطی پاسخگو و مسئله‌گشا باشد. از منظر کیفیت دانشگاه‌های گذشته قادر به تامین و تضمین کیفیت در ابعاد فردی، شایستگی و اجتماعی (Birnbbaum, 1994) نبوده و لازمه آموزش عالی کیفی، تحول در نهاد دانشگاه در رویارویی با محیط و مسائل و نیازهای مبتلا به جامعه و نظام‌های پیرامونی است.

### آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی در آموزش عالی و دانشگاه

بشر به واسطه برخورداری از عقل، میل به جاودانگی، رقابت و اشتیاق فراوان برای تسلط بر طبیعت، همواره به فکر آینده خود، فرزندان، خانواده، کسب‌وکار، محله، روستا، شهر، جامعه، کشور و جهان بوده است. در این میان، انسان سعی کرده است برای آینده و اتفاقات آن از سطحی از آمادگی برخوردار باشد. تقلا برای آینده‌شناسی همزاد انسان بوده و ریشه بسیاری از آداب، رسوم و سنن تاریخی نظیر ستاره‌شناسی، گیگویی، کف‌بینی و طالع‌بینی در آن نهفته است (مافی، ۱۳۹۰). تفاوت عمده آینده‌نگری بشر معاصر با انسان‌های گذشته، پیچیدگی واقعیت‌ها، نظام‌مندی و رعایت اصول علمی در مطالعات آینده است. به عبارتی، آینده‌پژوهی، دانش و معرفتی است که سازمان را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی آتی آگاه کرده، ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های آن را کاهش داده و توانایی انتخاب‌های هوشمندانه را افزایش می‌دهد. به‌طور کلی، آینده‌پژوهی ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۱). آینده‌پژوهی، دانش-فناوری نوپدید است که به لحاظ گستردگی و تنوع حوزه‌های همپوشان و مرتبط، دستاوردها و

راهبردی برای جوامع، سازمان‌ها و افراد داشته است. امروزه، با توجه به تحولات موجود یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظام‌یافته و کل‌نگر در عرصه‌های سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و راهبردنگاری، آینده‌پژوهی است (قربانی، ۱۳۹۱). آینده‌پژوهی به منزله یک مفهوم میان‌رشته‌ای<sup>۱</sup> و فرارشته‌ای، امکان شناسایی رویدادها و روندهای موثر در شکل‌گیری تحولات آینده و دستیابی به تصویری روشن از آینده را فراهم می‌کند.

همسو با تحولات جهانی و در پاسخ به تغییرات محیطی در دو دهه اخیر، تلاش‌های زیادی برای آینده‌شناسی، آینده‌پژوهی، شناسایی و تحلیل تهدیدها و فرصت‌ها و تدوین سناریوهای آموزش عالی و نظام دانشگاهی انجام شده است. فهرستی از این تلاش‌ها به شرح جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تلقی‌ها و برداشت‌ها در مورد چالش‌ها و آینده آموزش عالی متفاوت است. برخی خبرگان و پژوهشگران، افزایش رقابت، تغییر جریان‌های درآمد، روندهای جمعیت و نیروی کار، فناوری و تغییر ادراک عمومی را ابرهای تاریک در افقی که آموزش عالی را تهدید می‌کند، می‌پندارند. برخی، این تحولات را عوامل تغییر<sup>۲</sup> قلمداد می‌کنند که آموزش عالی را قادر خواهد کرد خود را به روش‌های مثبت دوباره اختراع کند (Goldstein, 2006). از نظر گولدستین، هدف از آینده‌پژوهی در آموزش عالی، پیش‌بینی آینده نیست، بلکه شناسایی نیروهایی است که در حال ایجاد تغییر هستند و فهم کاربری ظرفیت آنها برای آموزش عالی است (Goldstein, 2006). همچنین، آینده‌پژوهی در آموزش عالی عبارت است از شناسایی پیشران‌های<sup>۳</sup> تغییر و بررسی انواع فرصت‌ها و تهدیدها برای آموزش عالی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های کارکردی، فهم چگونگی آماده شدن دانشگاه‌ها برای مدیریت تغییر و شناسایی حوزه‌هایی که رهبران باور دارند آموزش عالی می‌تواند جهت شکل‌دهی آینده خود اقدام کند.

به عبارتی، آینده‌پژوهی در آموزش عالی به معنای یافتن چالش‌ها و خلق آینده مطلوب با طراحی و اجرای راهبردها و اقدامات در زمینه محلی، ملی و جهانی است. در موضوع آینده‌پژوهی آموزش عالی درباره سه پرسش زیر اتفاق نظر وجود دارد:

- ۱- آموزش عالی و دانشگاه‌ها در حال رفتن به کجا هستند؟
  - ۲- آموزش عالی و دانشگاه‌ها باید به کجا بروند و چرا باید به آنجا بروند؟
  - ۳- آموزش عالی و دانشگاه‌ها چگونه می‌توانند به آنجا برسند؟
- همچنین، در اغلب آینده‌پژوهی‌های انجام‌شده پرسش‌های زیر مطرح شده‌اند:

1. Interdisciplinary
2. Change Agents
3. Drivers



چگونه در آینده، آموزش عالی تغییر اساسی خواهد کرد؟ چه بخش‌هایی از آموزش عالی به طور چشمگیرتر از سایر بخش‌ها تغییر خواهند کرد؟ چه عواملی در حال ایجاد فشار برای تغییر در آموزش عالی هستند؟ در واقع، محور همه مطالعات آینده‌نگر در آموزش عالی شامل عوامل و پیشران‌های تغییر، کم و کیف تغییر، بخش‌ها و کارکردهای تغییر، فرصت‌ها و تهدیدهاست.

جدول ۱: یافته‌های مطالعات آینده‌پژوهی در آموزش عالی

ردیف	منبع	چکیده یافته‌ها
۱	بنیاد رهبری آموزش عالی <sup>۲</sup> انگلیس، (Huisman et al., 2011)	آینده آموزش عالی با دو سناریوی اصلی تحلیل و ارزیابی شده است. بر اساس این مطالعه، آموزش عالی انگلیس با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده و باید چشم‌انداز خود را در مولفه‌هایی نظیر تامین‌کنندگان خصوصی، دانشگاه‌های پژوهشی، دسترسی به آموزش عالی، تامین مالی، آموزش، یادگیری، دانشجویان و امور خارجی تغییر دهد.
۲	راهبرد ملی برای آموزش عالی تا ۲۰۳۰ (The Strategy Group, 2011)	چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آموزش عالی در دهه‌های آینده بررسی شده است. تغییر ترکیب جمعیت دانشجویی، بازار کار، یادگیری مادام‌العمر و مهارت بیشتر، پژوهش با کیفیت بالا، مشارکت بیشتر در آموزش برای ایجاد اقتصاد نوآور، بین‌المللی شدن، حکمرانی و رهبری علمی، تامین مالی از جمله موضوعاتی هستند که باید در آینده آموزش عالی مورد توجه باشند.
۳	چگونه جو به سمت آموزش تغییر می‌کند (Bussey, 2010)	نحوه پرورش ارزش‌ها و شرایط در آموزش عالی با تمرکز بر الگوی سه‌وجهی کشش آینده، وزن تاریخ و فشار آینده، بررسی شده است. بر اساس این پژوهش باید چشم‌انداز، سیاست‌ها و ارزش‌ها در آینده‌نگری آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد.
۴	بنیاد رهبری آموزش عالی در انگلیس (Kubler & Sayers, 2010)	آینده آموزش عالی در ۹ سرفصل شامل رسالت و چشم‌انداز، مواجهه با جوامع و ذی‌نفعان، انتخاب جهت‌گیری راهبردی، دولت و بازار، ابعاد جهانی اقتصاد دانش، مشارکت بخش خصوصی، روابط دانشگاه-صنعت، ارتباط میان دولت، آموزش عالی و نیروهای بازار، ارزیابی شده است.

1. Change Drivers
2. The Leadership Foundation for H.E. (LFHE)

ادامه جدول ۱: یافته‌های مطالعات آینده‌پژوهی در آموزش عالی

ردیف	منبع	چکیده یافته‌ها
۵	امکان‌پذیری مدیریت آینده (Watson, 2010)	امکان مدیریت واقعی دانشگاه‌های آینده در شش فراز کلی شامل فهم گذشته و حال، تحصیل حقوق منابع، فهم کسب‌وکار، کمک به شناخت یک جهت حرکت مثبت، مواجهه با جهت حرکت، اعتماد خوش‌بینانه به جامعه علمی مطالعه شده است.
۶	تصویرسازی ۲۰۳۵: آینده آموزش عالی (Blass, Jasman & Shelley, 2009)	آینده آموزش عالی انگلیس تا سال ۲۰۳۵ ترسیم شده و پنج سناریوی اصلی شامل ایجاد دانش پیشرو، دانش پاسخگو، اختلاط‌های محلی، تامین مالی غیردولتی، تامین مالی دولتی برای آینده آموزش عالی بریتانیا بررسی و تحلیل شده است.
۷	سناریوهای آموزش عالی آینده (Conway, 2008)	چهار پیشران تغییر موثر بر آموزش عالی شامل جهانی شدن، چندفرهنگی شدن، اینترنت و سیاست، شناسایی و تحلیل شده است. آموزش عالی در آینده متأثر از این پیشران‌ها خواهد بود.
۸	تهدیدها و فرصت‌های آموزش عالی (Brown et al., 2008)	۱۴ پیشران اصلی نظیر سطح توسعه اقتصادی، تامین مالی دولتی و سه سناریو شامل انطباق تدریجی با تغییر، بازارمحوری و یادگیری منعطف کارفرمامحور برای آموزش عالی شناسایی، مقایسه و بررسی شده است.
۹	نظام آموزش عالی مصر: به سوی کیفیت بهتر در آینده (Sebai, 2006)	سه فرانروی پیشران اجتماعی موثر بر آینده آموزش عالی، افزایش رقابت، افزایش مصرف‌گرایی و مسئولیت ارزیابی شده است.
۱۰	دانشگاه بین‌المللی فلوریدا (FIU, 2006)	کلان‌نیروهای پیشران در جامعه و آموزش عالی شامل اقتصاد، جهانی شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، جامعه دانش، مصرف‌گرایی و سرمایه انسانی مطالعه شده است.
۱۱	شورای انجمن‌های مدیریت آموزش عالی آمریکا و کانادا <sup>۱</sup> (Goldstein, 2006)	پیشران‌های تغییر نظیر منابع مالی، تغییر جمعیت دانشجویی، افزایش رقابت در ابعاد دانشجویی، هیات علمی و منابع را برای ۱۰ سال آینده آموزش عالی آمریکا و کانادا پیش‌بینی و ضرورت تغییر در آموزش عالی تبیین شده است.

1. The Council of H.E. Management Associations (CHEMA)

ادامه جدول ۱: یافته‌های مطالعات آینده‌پژوهی در آموزش عالی

ردیف	منبع	چکیده یافته‌ها
۱۲	مرکز تحقیقات آموزشی و نوآوری <sup>۱</sup> OECD (OECD, 2005)	چهار سناریو برای آینده آموزش عالی در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه شامل شبکه‌ای شدن آزاد، خدمت به جوامع محلی، مسئولیت عمومی جدید، بنگاه آموزش عالی، طرح و ارزیابی شده است.
۱۳	آموزش عالی و دانشگاه‌ها در قرن ۲۱ (Boer et al., 2002)	روندها و چشم‌اندازهای آموزش عالی و پژوهش در قرن ۲۱ دست‌کم در هفت منظر شامل توسعه فناوری، بازاری شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، روندهای اجتماعی - فرهنگی <sup>۲</sup> و جمعیت‌شناختی بررسی و تحلیل شده است.
۱۴	هیرش و وبر (گردهمایی گلیون در سال ۱۹۹۸)	هفت چالش عمده آموزش عالی در هزاره سوم، شامل محیط در حال تغییر، رسالت‌ها، دانشجویان، آموزش، حرفه دانشگاهی، منابع مالی آموزش عالی، حکمرانی علمی بررسی و برای مواجهه اصولی با این چالش‌ها پیشنهادهایی ارائه شده است.
۱۵	مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی در آموزش عالی (مهدی، ۱۳۹۲ الف)	برنامه‌ریزی سناریو با تأکید بر تحولات پرشتاب اجتماعی و فرهنگی روش مناسب و موثری برای تدوین جهت‌گیری آینده آموزش عالی است. باید این سناریوها با مشارکت همه ذی‌نفعان آموزش عالی با تمرکز بر رسالت نهادی هر دانشگاه و نحوه انطباق آن با نیازها و تغییرات محیطی تحلیل و تنظیم شود.

شورای مدیریت انجمن‌های آموزش عالی (CHEMA, 2006) پرسش‌های کلیدی درباره نظام و کارکردهای دانشگاهی را به شرح زیر طرح کرده است:

۱. چگونه می‌توان اقتصاد دانشگاه‌ها و کارکردهای دانشگاهی را به نحوی تغییر داد که قادر باشند هزینه‌ها را با تامین انتظارات در حال افزایش مخاطبان مهار کنند؟
۲. آیا درباره چگونگی اثرگذاری تغییر جمعیت‌شناختی روی ترکیب دانشجویان، فهم و شناخت کافی وجود دارد؟ آیا اقدامات لازم برای استقبال از تنوع دانشجویان طراحی و انجام شده است؟

1. CERl
2. Socio-Cultural Changes

۳. آیا در مورد رقابت‌ها و بازارهای رقیب دانشگاه‌ها و کارکردهای دانشگاهی، شناخت کافی وجود دارد؟

۴. آیا در زمان محدودیت منابع مالی، به قدر کافی درباره نحوه حمایت کارکردهای دانشگاه‌ها از ماموریت گسترده و راهبردهای دانشگاهی، کار و تدبیر شده است؟

۵. آیا برای جذب و حفظ نیروی انسانی دانشگاه‌ها (اعضای هیات علمی) آمادگی کافی وجود دارد؟ آیا برای توسعه یا یافتن نسل بعدی رهبران دانشگاه‌ها و کارکردهای دانشگاهی، اقدامی شده است؟ در مطالعات انجام‌شده از سوی بویور و همکاران، حداقل هفت روند جامع درباره آینده آموزش عالی و دانشگاه‌ها شناسایی و تبیین شده‌اند (Boer *et al.*, 2002): توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بازاری شدن آموزش عالی و علم، جهانی شدن، بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تغییرات جمعیت‌شناختی.

از نظر (Blass, Jmsman & Shelley (2009) علاوه بر روندهای هفت‌گانه بالا، بازار دانشجویان غیررستنی، دموکراسی و نقش رسانه از دیگر روندهای جامع موثر بر آینده دانشگاه‌ها هستند.

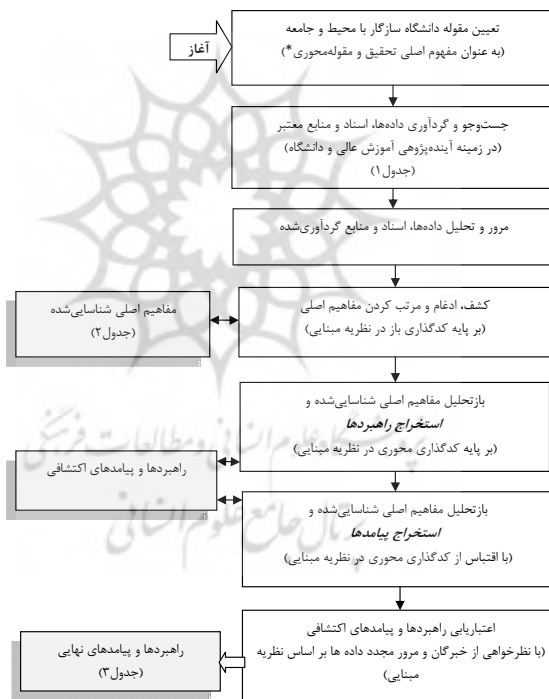
بنابراین، بر اساس یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه آینده آموزش عالی و دانشگاه‌ها می‌توان جمع‌بندی کرد که نیروهای جامعه با قدرت و شدت بیشتری در حال فشار برای تغییر و تحول در آموزش عالی و دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه‌ها باید خود را با تغییرات مورد نظر جامعه، منطبق و سازگار کنند. عدم انطباق و سازگاری با جامعه، سرآغازی بر نابودی و اضمحلال فیزیکی یا ماهیتی دانشگاه و کارکردهای آن خواهد بود. موضوع اصلی آینده‌پژوهی در آموزش عالی، شناسایی نظام‌مند نیروها و پیشران‌های تغییر، فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از تغییرات، طراحی چشم‌انداز و آینده مطلوب برای آموزش عالی و دانشگاه اثربخش و طراحی راهبردها و اقدامات موثر برای دستیابی به آینده مطلوب است.

## روش پژوهش

با توجه به مطالعات انجام‌شده و اسناد و منابع موجود، جست‌وجوی زیادی برای انتخاب روش پژوهش مناسب برای ارائه فرآیند کلان آینده‌پژوهی در آموزش عالی به عمل آمد. در نهایت با بررسی روش‌ها و همفکری با برخی صاحب‌نظران، ترکیبی از روش مرور اسنادی و نظریه‌مبنایی، برگزیده شد (شکل ۱). در این پژوهش، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از منابع و اسناد آینده‌پژوهی درباره آموزش عالی و دانشگاه‌ها با تمرکز بر بازه زمانی یک دهه اخیر به شرح جدول ۱ گردآوری و سازماندهی شده است. مطابق روش نظریه‌مبنایی، جست‌وجو، مرور و تحلیل اسناد و داده‌ها تا زمان احساس اشباع نظری<sup>۱</sup>،

1. Theoretical Saturation

استمرار داشته است. منابع و اسناد، همانند نمونه‌گیری در روش مصاحبه، با رعایت اصل اشباع نظری به تعدادی انتخاب و بررسی شده‌اند که با مرور و بررسی آنها نکته و مفهوم جدیدی قابل استخراج نباشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۷). نکته اساسی این پژوهش، حساسیت نظری<sup>۱</sup> ناشی از تخصص و دانش پژوهشگر در زمینه آموزش عالی و آشنایی با مفهوم مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌پژوهی است. برای اعتباریابی نتایج (راهبردها و پیامدها) علاوه بر پنج بار مرور داده‌ها و اسناد، از آرای ۱۰ نفر از متخصصان آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی استفاده شده است. از خبرگان درخواست شد که نظر خود را در زمینه درستی راهبردها و پیامدهای پیشنهادی برای سازگار کردن دانشگاه با محیط پیرامونی ابزار کنند. این کار در دو مرحله انجام شد. آنچه در این پژوهش ارائه شده است نظر نهایی بیشتر خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی و مرور و تحلیل نهایی داده‌ها و اسناد (جدول ۱) است.



شکل ۱: فرایند و مراحل پژوهش و استخراج راهبردها و پیامدها

تعیین دانشگاه سازگار با محیط و جامعه به‌عنوان مفهوم اصلی پژوهش و مقوله محوری در نظریه

### 1. Theoretical Sensitivity

مبنایی، بر اساس مطالعات و پیش‌زمینه پژوهش قبلی است (مهدی، ۱۳۹۲ الف). به علاوه، یمنی، خبره برجسته آموزش عالی و نظام دانشگاهی، پیشتر با نگارش یک مقاله مبسوط روی مفهوم دانشگاه سازگار شونده تاکید کرده است (یمنی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱). به‌زعم نگارنده این پژوهش، هر موضوعی که مورد توجه و تاکید یمنی باشد شایستگی و ظرفیت انتخاب برای مطالعه و پژوهش بیشتر را دارد.

### مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی

بر مبنای مرحله کدگذاری باز در نظریه مبنایی و مرور و تحلیل داده‌ها و اطلاعات اسناد گردآوری شده (به شرح جدول ۱)، ۴۷ مفهوم کلیدی<sup>۱</sup> در زمینه آینده‌شناسی در آموزش عالی به شرح جدول ۲ شناسایی شده است.

جدول ۲: مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی

مفاهیم کلیدی	مفاهیم کلیدی
- دانشگاه در خدمت توسعه محلی و ملی	- جهانی شدن، بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن
- تحول سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه	- افزایش سن و تغییر ترکیب جمعیت و نیروی کار
- هماهنگی با نیازهای تحولی جامعه	- ظهور اقتصاد، جامعه و صنعت دانش
- افزایش نقش اقتصادی آموزش عالی	- مدیریت مالی دانشگاه با افزایش درآمدها و تنوع منابع
- ایجاد ساختارها و فرصت‌های یادگیری منعطف، مجازی و مادام‌العمر	- توسعه دموکراسی و ترویج مشارکت اجتماعی
- ارتقای بهره‌وری برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه	- توسعه حرفه دانشگاهی با اهداف توسعه فردی و مسئولیت در برابر دانشگاه و جامعه
- ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه	- افزایش مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان
- تقاضا برای آموزش سن سوم، مادام‌العمر و مجازی	- نیاز به یادگیری منعطف کارفرمامحور
- کاهش اولویت تامین مالی بخش آموزش عالی برای دولت	- توسعه مطالعات و برنامه‌های میان‌رشته‌ای
- عدم تمایل بخش خصوصی به تامین مالی دانشگاه بدون اعمال نفوذ	- بازنگری در گروه‌های آموزشی و پژوهشی
- محدودیت‌های مالی دانشگاه	

#### 1. Key Concepts

جدول ۲: مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی

مفاهیم کلیدی	مفاهیم کلیدی
- رقابت در زمینه درون‌دادها، فرآیندها، برون‌دادها	- نیاز به سرمایه‌گذاری‌های جدید در آموزش عالی
- توسعه همکاری‌های دانشگاه با صنعت و دولت	- توسعه فناوری بالاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه
- تجاری‌سازی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی	- افزایش تنش در انتظارات دانشجویان و دانشگاه
- بازارگرا شدن آموزش عالی	- مداخله مستمر دولت برای ارتقا و تضمین کیفیت دانشگاه
- افزایش دانشجویان در حال کار و کاهش ساعات حضور در داخل پردیس‌ها	- اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و شیوه اداره امور دانشگاه
- جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان	- بی‌ثباتی در بازارهای کار و موقعیت‌های اشتغال
- توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کارکردهای دانشگاه	- خدمت به جامعه محلی و ملی
- هماهنگی با پدیده جهانی شدن	- افزایش بهره‌وری برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی
- ورود موسسات مجازی و انتفاعی به صنعت آموزش عالی	- تغییر ترکیب و تنوع دانشجویان و دریافت‌کنندگان خدمات از دانشگاه
- سازگاری و انطباق دانشگاه با محیط در حال تغییر	- تولید علم نافع در دانشگاه
- ساختار تصمیم‌گیری و مدیریتی متناسب با تحولات اجتماعی	- تنوع بیشتر تامین‌کنندگان آموزش عالی
- بروز شکاف فرهنگی به سبب تامین مالی دانشگاه از بخش خصوصی و صنعت	- تربیت شهروندان فرهیخته با صلاحیت علمی و حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی بالا
- کاهش موانع ورود به بازار آموزش عالی	- افزایش روزافزون رقابت برای جذب منابع، بازار و مشتری
- سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در آموزش با منطبق هزینه - فایده	

## راهبردها و پیامدهای کلیدی

پس از شناسایی مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی (به شرح جدول ۲)، بر پایه

کدگذاری محوری در نظریه مبنایی و مرور و تحلیل مجدد داده‌ها، راهبردها<sup>۱</sup> (۱۳ راهبرد) و پیامدهای<sup>۲</sup> (چهار پیامد) دانشگاه سازگار با محیط پیرامونی (جامعه در حال تغییر و تحول)، به شرح جدول ۳ شناسایی و اعتباریابی شده است.

### جدول ۳: راهبردها و پیامدهای کلیدی

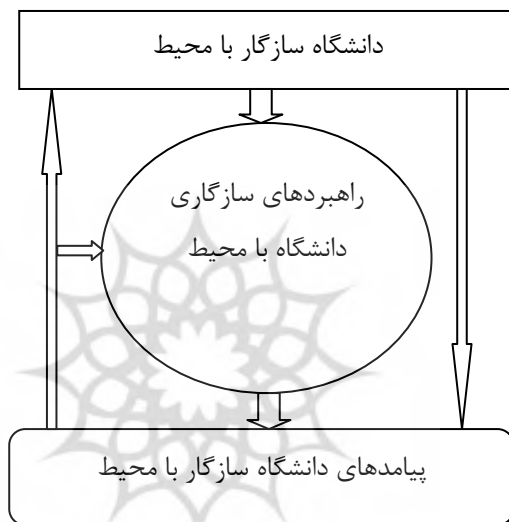
راهبردهای کلیدی سازگار کردن دانشگاه با محیط
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. توسعه روابط علم و جامعه و همکاری با صنعت و دولت</li> <li>۲. مدیریت مالی دانشگاه با افزایش درآمدها و تنوع منابع مالی</li> <li>۳. اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و شیوه اداره امور دانشگاه</li> <li>۴. تربیت شهروندان فرهیخته با صلاحیت علمی و حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی بالا</li> <li>۵. ایجاد ساختارها و فرصت‌های یادگیری منعطف، مجازی و مادام‌العمر</li> <li>۶. بازنگری مستمر در گروه‌ها و رشته‌های آموزشی و پژوهشی</li> <li>۷. ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی</li> <li>۸. ارتقای بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی</li> <li>۹. توسعه فعالیت‌ها و برنامه‌های میان‌رشته‌ای</li> <li>۱۰. بازتعریف استقلال و آزادی علمی هماهنگ با اهداف گروه، دانشگاه و جامعه</li> <li>۱۱. توسعه حرفه دانشگاهی با اهداف توسعه فردی و مسئولیت در برابر دانشگاه و جامعه</li> <li>۱۲. تجاری‌سازی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی</li> <li>۱۳. افزایش مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان</li> </ol>
پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. تولید علم نافع در دانشگاه</li> <li>۲. دانشگاه در خدمت توسعه محلی و ملی</li> <li>۳. دانشگاه بهره‌ور، کیفی، کارآفرین، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو</li> <li>۴. تحول سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه همسو با نیازهای تحولی جامعه</li> </ol>

همچنان که در روش پژوهش آمده است برای اعتباریابی راهبردها و پیامدها علاوه بر پنج بار مرور داده‌ها و اسناد، از آرای ۱۰ نفر از متخصصان آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی استفاده شده است. از خبرگان خواسته شد نظر خود را در زمینه درستی و اثربخشی راهبردها و پیامدهای اکتشافی برای سازگار کردن دانشگاه با محیط پیرامونی (جامعه در حال تغییر) اعلام کنند. این کار در دو گام انجام شد. جدول ۳، حاصل مرور و تحلیل نهایی داده‌ها و اسناد موجود و نظر نهایی بیشتر خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی است.

1. Strategies
2. Consequences



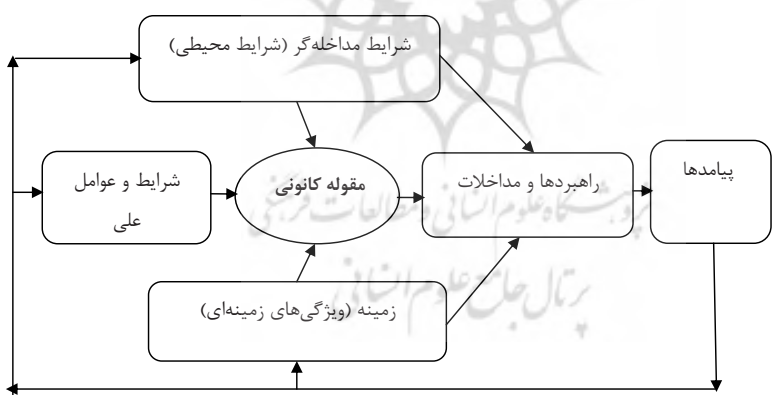
بر اساس شکل ۲، سازگاری دانشگاه با محیط پیرامونی (جامعه در حال تغییر و تحول) نیازمند اتخاذ راهبردهای اثربخش است. راهبردهای اثربخش می‌تواند سازگاری دانشگاه با محیط را تسهیل و محقق کند. سازگاری دانشگاه با محیط به صورت مستقیم و از طریق راهبردها دارای پیامدهای ویژه‌ای است. همچنین، بر اساس اصل بازخورد در رویکرد سیستمی، پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط بر روی سازگاری دانشگاه با محیط و راهبردهای سازگار کردن دانشگاه با محیط پیرامونی، موثر است.



شکل ۲: روابط راهبردها و پیامدها در دانشگاه سازگار با محیط

لازم به یادآوری است الگوهای مفهومی برآمده از نظریه مبنایی (Strauss & Corbin, 1998) عموماً دارای شش مولفه (محور) اصلی شامل شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه (ویژگی‌های زمینه‌ای)، مقوله کانونی (پدیده‌محوری)، راهبردها (مداخلات) و پیامدها و نتایج است (شکل ۳). در این مطالعه، با تعریف دانشگاه سازگار با محیط به عنوان مقوله کانونی، راهبردهای سازگاری دانشگاه با محیط و پیامدها و نتایج دانشگاه سازگار با محیط (جامعه در حال تغییر و تحول) با رویکرد اکتشافی و آینده‌نگر، استخراج شده است. به اختصار می‌توان گفت بر اساس یافته‌های پژوهش‌های دیگران (جدول ۱) راهبردها و پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط بر مبنای الگوی

هنجاری<sup>۱</sup> نظام دانشگاهی مطلوب در افق آینده شناسایی شده‌اند. این راهبردها و پیامدها نیازمند الزامات، شرایط و زمینه‌هایی برای فعلیت و اثربخشی هستند. از این رو، به عنوان اولین پیش شرط، باید سیاستگذاری‌های آموزش عالی و نظام دانشگاهی در راستای ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌های انطباق دانشگاه با جامعه باشد. سیاست‌ها و اقداماتی که موجب انفعال و انزوای دانشگاه و دور شدن آن از کارکرد مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در برابر نیازها و مسائل مبتلابه محیط علمی و اجتماعی باشد، با مفهوم دانشگاه سازگار با محیط پیرامونی در تضاد بوده و روند اضمحلال شکلی یا کارکردی نهاد دانشگاه را سرعت می‌بخشد. به عبارتی، از یک سو لازمه نتایج و پیامدهای مکشوف در این پژوهش، تحقق و فعلیت موثر راهبردها و مداخلات کارآمد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و از سوی دیگر، لازمه راهبردها و مداخلات مکشوف و موکد در این پژوهش، ایجاد شرایط محیطی، عوامل علی و ویژگی‌های زمینه‌ای موثر و توانمندساز است. فرض این پژوهش این است که سیاستگذاران و رهبران آموزش عالی و نهاد دانشگاه برای تحقق و فعلیت سازنده راهبردها تدابیر، خط‌مشی‌ها و راهکارهایی را اتخاذ کرده و این راهبردها را در خلأ و به دور از واقعیات و شرایط محیطی به کار نمی‌گیرند.



شکل ۳: مولفه‌ها و محورهای اصلی در روش نظریه‌مبنایی (مهدی، ۱۳۹۲)

1. Normative Model

## راهبردها

بر اساس نظریه مبنایی، تحقق مقوله کانونی (دانشگاه سازگار با محیط) ناشی از شرایط و عوامل علی<sup>۱</sup> و با تاثیرپذیری از شرایط مداخله‌گر<sup>۲</sup> (محیطی) و شرایط زمینه‌ای<sup>۳</sup> است. اگر موقعیت و وضعیت موجود بدون مداخله، به حال خود رها شود ممکن است هیچ‌گاه فرصت و ظرفیت فراهم شدن شرایط علی مورد نیاز برای تحقق مقوله کانونی، حاصل نشود. از اینرو، راهبردها به‌عنوان عوامل و میانجی‌های تغییر، فرآیند تحقق مقوله کانونی (دانشگاه سازگار با محیط) را تسهیل و پشتیبانی می‌کنند. در عمل هر راهبرد، ناظر بر فعالیت‌ها و اقدامات نظام‌یافته و هدفمندی است که برای تحقق پدیده دانشگاه سازگار با محیط، شرایط علی، محیطی و زمینه‌ای، طراحی و اجرا می‌شود. در این مطالعه، ۱۳ راهبرد کلیدی سازگارسازی دانشگاه با محیط (جامعه در حال تغییر و تحول) به شرح جدول ۳ با رویکرد اکتشافی و آینده‌نگر، استخراج شده است. با توجه به این که سعی شده است در نگارش عناوین راهبردها از ادبیات مصطلح و ساده محافل آموزش عالی و مدیریت و برنامه‌ریزی دانشگاهی استفاده شود، از تشریح و توصیف جداگانه راهبردها خودداری شده است. تاکید می‌شود که تحقق و فعلیت این راهبردها نیازمند سیاست‌ها، تدابیر و الزاماتی است که باید سیاستگذاران و رهبران آموزش عالی به کار گیرند.

## پیامدها

بر اساس نظریه مبنایی، پیامدها محصول راهبردهای مؤثر متناسب با مقوله کانونی و شرایط و عوامل علی، محیطی و زمینه‌ای هستند. اگر راهبردهای مؤثری متناسب با شرایط محیطی و زمینه‌ای، طراحی و اجرا شوند به‌طوری که عوامل علی برای دانشگاه سازگار با محیط به وجود آید، پیامدهای مطلوب مدنظر حاصل می‌شود. در این پژوهش، چهار پیامد کلیدی دانشگاه سازگار با محیط به شرح جدول ۳ با تحلیل اسناد، استخراج شده است. با توجه به اینکه در تدوین عناوین پیامدها از ادبیات مصطلح محافل آموزش عالی و مدیران دانشگاهی استفاده شده است، پیامدها تشریح نشده‌اند. در اینجا نیز تاکید می‌شود پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط بر مبنای الگوی هنجاری نظام دانشگاهی ایده‌آل در آینده، شناسایی و تنقیح شده است. به‌عبارتی، لازمه تحقق این پیامدها فعلیت و تحقق راهبردهاست و لازمه تحقق راهبردها شرایط محیطی است که تامین‌کننده

1. Causal Factors & Conditions
2. Intervening Conditions
3. Context Conditions

و موسس این شرایط و عوامل، سیاستگذاران و رهبران آموزش عالی هستند. از این رو، بدون انجام اقدامات موثر و سازنده در راستای تحقق راهبردها نباید انتظار داشت که پیامدها به صورت خودکار حاصل شوند.

### نتیجه گیری

تجربه‌های تاریخی، شواهد و نتایج مطالعات آینده‌پژوهی آموزش عالی نشان می‌دهد تداوم حیات اثربخش و سازنده نظام دانشگاهی منوط به تامین الزامات و شرایط محیطی است. دانشگاه منفعلی که قادر به حل مسائل مبتلابه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه نباشد دانشگاه کیفی نبوده و به لحاظ شکلی یا کارکردی وجود موثر نخواهد داشت. دانشگاهی که قدرت تعامل و تعادل پویا با نظام‌های پیرامونی داشته و منشاء اثر در زیست‌بوم و زمینه محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی است به‌عنوان دانشگاه سازگار شونده (دانشگاه سازگار با محیط علمی و اجتماعی) است. بر اساس روش‌شناسی این پژوهش، راهبردهای سازگار کردن دانشگاه با محیط شناسایی شده است: ۱. توسعه روابط علم و جامعه و همکاری با صنعت و دولت، ۲. مدیریت مالی دانشگاه با افزایش درآمدها و تنوع منابع مالی، ۳. اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و شیوه اداره امور دانشگاه، ۴. تربیت شهروندان فرهیخته با صلاحیت علمی و حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی بالا، ۵. ایجاد ساختارها و فرصت‌های یادگیری منعطف، مجازی و مادام‌العمر، ۶. بازنگری مستمر در گروه‌ها و رشته‌های آموزشی و پژوهشی، ۷. ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی، ۸. ارتقای بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی، ۹. توسعه فعالیت‌ها و برنامه‌های میان‌رشته‌ای، ۱۰. بازتعریف استقلال و آزادی علمی، ۱۱. توسعه حرفه دانشگاهی با اهداف توسعه فردی و مسئولیت در برابر دانشگاه و جامعه، ۱۲. تجاری‌سازی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی، ۱۳. افزایش مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان. همچنین، چهار پیامد کلیدی دانشگاه سازگار با محیط عبارتند از: ۱. تولید علم نافع در دانشگاه، ۲. دانشگاه در خدمت توسعه محلی و ملی، ۳. دانشگاه بهره‌ور، کیفی، کارآفرین، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو، ۴. تحول سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه همسو با نیازهای تحولی جامعه.

بر اساس یافته‌های آینده‌پژوهی‌های آموزش عالی، سازگار شدن و انطباق نهاد دانشگاه با الزامات و نیازهای سیال، دائماً نوشونده و در حال تحول جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و فناوری، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های نظام دانشگاهی کیفی، پویا و

متعالی در افق آینده است. نظام دانشگاهی باید به وسیله راهبردهای موثر با محیط علمی و اجتماعی به طور دائم سازگار شده و با جامعه و تحولات آن در تعادل پویا باشد. کلیدواژه اصلی و سرفصل تمامی نگرانی‌ها و مباحث جدی در زمینه آینده نهاد دانشگاه و آموزش عالی، در سازگاری نهاد دانشگاه با محیط پیرامونی است. نکته اساسی دیگر اینکه در موضوع سازگاری دانشگاه با محیط، محیط علمی شامل فرهنگ، هنجارها و اخلاقیات زیست‌بوم علم و دانش و محیط اجتماعی شامل کلیت محیط و جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فناوری است. از اینرو، دانشگاه با منطق تعادل پویا باید با دو محیط شامل محیط علمی و ارزش‌های آن و محیط اجتماعی و الزامات و نیازهای آن، بدون سازشکاری، انفعال و انزوا، سازگار شود. پیش از این، ضرورت‌ها، مختصات و ویژگی‌های دانشگاه سازگار شونده به نحو شایسته‌ای توسط یمنی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱) تبیین شده است. با توجه به استفاده گزینشی از نظریه مبنایی و عدم ورود به محورهای شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و ویژگی‌های زمینه‌ای و مفروض دانستن مقوله کانونی دانشگاه سازگار با محیط، پیشنهاد می‌شود پژوهشی در زمینه الگوی مفهومی جامع آینده‌پژوهی آموزش عالی با این روش انجام شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود با استفاده از راهبردها و پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط، راهبردها و پیامدهای ویژه انواع دانشگاه‌ها (دانشگاه جامع، دانشگاه فنی-مهندسی، دانشگاه پژوهشی، دانشگاه کاربردی و...) شناسایی و تبیین شود. چرا که، دانشگاه یک عنوان کلی برای انواع سازمان‌های آموزشی و پژوهشی با محوریت آموزش عالی و پژوهش‌های سطوح عالی است. درحالی که دانشگاه‌ها دارای چشم‌اندازها و ماموریت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی مختلفی بوده و انتظارات و توقعات از آنها متفاوت است.

## منابع

### الف) فارسی:

- استراس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۶). *علم علم و تأمل‌پذیری*. ترجمه (زنده‌باد) یحیی امامی، تهران، مرکز تحقیقات علمی، بهروزی‌لک، غلام‌رضا و مخلص‌الائمه، فرزاد (۱۳۹۱). نسبت آرمانگرایی و واقعگرایی در آینده‌پژوهی اسلامی، چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.

- پایا، علی (۱۳۷۹). دانشگاه آینده و آینده دانشگاه. *رهیافت*، شماره ۲۶.
- تاج‌آبادی، رضا؛ رحیمی، محمد و شعبانی، سمیه (۱۳۹۱). نقش آینده‌پژوهی در شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار و کارآفرینانه. *چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی*، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۴). *ثبوت آینده*. ترجمه حشمت‌الله کامرانی، تهران، نشر سیمرخ.
- دلانتی، جرارد (۱۳۸۶). *دانش در چالش*. ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صالحی‌کردآبادی، سجاد (۱۳۹۱). آینده‌پژوه سیاسی در عصر جهانی‌سازی. *چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی*، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- قربانی، سعید (۱۳۹۱). *تاملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی*. *چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی*، تهران، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- کوی، لوتان (۱۳۷۸). آموزش و پرورش: *فرهنگ‌ها و جوامع*. ترجمه محمد یمنی، نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- مافی، فرزانه (۱۳۹۰). *پژوهشی در حوزه آینده‌پژوهی*. تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- مشتاقی، غلامحسین و شاه‌محمدی، محمد (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی مدیریت پرونده‌های امنیتی بین‌المللی*. *چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی*، تهران، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- مهدی، رضا (۱۳۸۸). *ارزیابی استراتژی‌های تولید علم در گروه فنی-مهندسی کشور با تاکید بر چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران*. رساله دکترا، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- مورن، ادگار (۱۳۷۹). *درآمدی بر اندیشه پیچیده*. ترجمه افشین جهانزاده، تهران، نشر نی.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲). شکل‌گیری و توسعه میان‌رشته‌ای‌ها در آموزش عالی: عوامل و الزامات. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۱۸، صص ۹۱-۱۱۸.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲ الف). *پژوهش بر روی مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی در آموزش عالی*. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (به منظور نگارش مقاله موظفی سال ۱۳۹۲).
- هیرش، ورنر و وبر، لوک (۱۳۸۱). *چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم*. ترجمه گروه مترجمان، به اهتمام مهندس رضا یوسفیان‌املشی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). *دانشگاه سازگار شونده: یک فرآیند پیچیده*. رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: صص ۱۳-۶۴.
- یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱). *کیفیت در آموزش عالی*. تهران، سمت.

(ب) انگلیسی:

- Anayatullah, S. (2005). *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*. Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.
- Birnbaum, R. (1994). The Quality Cube: How College Presidents Assess Excellence. *Higher Education Management Journal.*, 9(3), pp. 71-82.
- Blass, E.; Jasman, A. & Shelley, S. (2009). *Visioning 2030: The Future of the Higher Education sector in the UK*. Elsevier Ltd.
- Boer, H.; Huisman, J. & Charles, P. (2002). *Academia in the 21st century*. Den Haag: AWT.
- CHEMA (2006). The Future of Higher Education: A view from CHEMA, [www.chemanet.org](http://www.chemanet.org).
- Cohen, M. & March, J. (1974). *Leadership and Ambiguity: The American college president*. New York, Mc Grow- Hill.
- Delanty, G. (2001). *Challenging Knowledge: The University in the Knowledge Society*. Buckingham, Open U. Press.
- Delanty, G. (2004). *Does the University Have a Future? In Globalization and Higher Education*. Hawai'i U. Press, Honolulu: pp. 241-254.
- Delanty, G. (2005). The Sociology of the University and Higher Education: The Consequences of Globalization. In: *The SAGE Handbook of Sociology*. Sage Pub. Ltd, London, pp. 530-545.
- Etzkowitz H. & Leydesdorff (2000). The Dynamics of Innovation: From National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of University, Industry, Government Relations, *Research Policy*, 29, pp. 109-123
- Gardner, P. D. (1999). Meeting the Challenges of the New Millennium: The University's Role. *Challenges facing H.E. at the millennium*, Ch.2, USA, Oryx press.
- Ginkel, Hans, J. A. (1999). Networks and Strategic Alliances within and between Universities and with the Private Sector. *Challenges facing H. E. at the millennium*, Ch. 8, USA, Oryx press.
- Goldstein, P. J. (2006). The Future of Higher Education: A View from CHEMA, [www.chemanet.org](http://www.chemanet.org).
- Hirsch, W. Z. & Weber, L. (1999). *Challenges Facing H. E. at the millennium*. USA, Oryx.
- Huisman, J.; Boer, H. & Charles, P. (2011). *The Future of English Higher Education: The Changing Landscape*. London, LFHE.
- Jaspers, K. (1960). *The Idea of the University*. London, Peter Owen.
- Kubler, J.; Sayers, N. (2010). *Higher Education Futures: Key Themes and*

- Implications for Leadership and Management*. London, LFHE.
- Lin Tien, C. (1999). *Future Challenges Facing American Higher Education*. Challenges facing H. E. at the millennium, Ch. 16, USA, Oryx press.
- OECD (2005). *Four Future Scenarios for Higher Education*, CERI, [www.oecd.org/edu/future/sft](http://www.oecd.org/edu/future/sft).
- Parsons, T. & Platt, G. (1973). *The American University*. Cambridge, Harvard U. Press.
- Power, M. (1997). *Audit Society*. Cambridge University Press.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research*. Grounded Theory Procedures and Techniques, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Watson S. David (2010). *Can We Really Manage the Future?* London, LFHE.

